

# جنگ قدرت منطقه ای عربستان سعودی و ایران

منتشر شده در [نشنال اینترست 27 فوریه 2014](#)

[خبرگزاری العربیه عربستان سعودی](#) به نقل از یک مقام رسمی آمریکا نوشته است که توجه ایران از دشمن اش اسرائیل، به عربستان سعودی جلب شده است. یعنی دشمن ایران، عربستان سعودی است، نه اسرائیل. داستان چیست؟

روابط 35 سال گذشته عربستان سعودی و ایران سرشار از چالش و درگیری است. رژیم پادشاهی عربستان سعودی همیشه خود را "خادم الحرمين الشريفین" خوانده و به تبلیغ و ترویج اسلام وهابی و سلفی پرداخته است. انقلاب 1979 ایران، رقیبی برای مدعی اسلام وهابی پدید آورد که "اسلام شیعی" را تبلیغ و ترویج می کرد.

اولین چالش این دو دولت به مسأله فلسطین باز می گردد. جمهوری اسلامی خود را بزرگترین مدعی آزادی فلسطین از دست اشغالگران اسرائیلی قلمداد کرد و دائماً گوشزد نمود که دولت های عربی منطقه نوکران حلقه به گوش دولت آمریکا بوده و به همین دلیل واکنشی به اشغال فلسطین و جنایات دولت اسرائیل نشان نمی دهند. در اینجا دیگر مسأله "اسلام شیعی" مطرح نبود، چرا که جمهوری اسلامی به حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه های فلسطینی مسلمان اهل تسنن (حماس، جهاد اسلامی، و...) پرداخت. بعدها هم برای مبارزه با اسرائیل و بسط قدرت منطقه ای خود، کمک کرد تا گروه حزب الله لبنان تشکیل شود.

## حمایت همه جانبه از عراق در تجاوز به ایران

یک سال و چند ماه پس از انقلاب ایران، صدام حسین جنگ تجاوزکارانه خود علیه ایران را آغاز کرد. در این جنگ، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس- خصوصاً عربستان سعودی- ده ها میلیارد دلار کمک در اختیار صدام حسین گذاشته و حامی او بودند. به نوشته [ویکیپدیا](#)، عربستان سعودی در 20 ماه اول جنگ، ماهیانه 1 میلیارد دلار به عراق کمک کرده است. به [گزارش سازمان CIA](#)، دولت های غربی 35 میلیارد دلار به عراق قرض داده و عربستان، کویت و امارات ۴۰-۳۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند. به [گزارش جان پاتریک](#)- کارشناس امنیتی آمریکا- عربستان سعودی ۳۰,۹ میلیارد دلار، کویت ۸,۲ میلیارد دلار، و امارات ۸ میلیارد دلار در طی جنگ به عراق کمک کردند.

## دو رویداد و قطع روابط

در دوران جنگ دو نزاع بزرگ میان ایران و عربستان پدید آمد:

هاشمی رفسنجانی در خاطرات روز 11 آگوست 1986 نوشته: "آقای بشارتی [وزیر کشور] اطلاع داد که عربستان اعلان کرده چند نفر از حجاج ایرانی در ساک های خود تی ان تی داشته اند" (ص 208). در

خاطرات 28 آگوست هم نوشته که عربستان 110 تن از 113 حجاج بازداشتی این حادثه را آزاد کرده و قرار می شود مهدی کربوبی از فهد در این خصوص تشکر کند(صص 239-238).

مهندس موسوی- نخست وزیر وقت- در متن استعفای محرمانه 67/6/14 خود به این مورد اشاره کرده و می نویسد:

"پس از کشف مواد منفجره از حجاج ما در جده، اینجانب از این امر آگاه می شوم. متأسفانه و علیرغم همه ضرر و زبانی که این حرکت متوجه کشور کرده است، هنوز نظیر این عملیات می تواند هر لحظه و هر ساعت به نام دولت صورت گیرد".

آیت الله منتظری- جانشین آیت الله خمینی در آن زمان- در نامه ی 1365 /7/17، به آیت الله خمینی نوشته بود:

"سپاه در وقت حج یک کار غلط ناروا انجام می دهد و از ساکهای حدود صد نفر حجاج پیرمرد و پیرزن بدون اطلاع آنان سوء استفاده می کند، به نحوی که در عربستان در وقت حج آبروی ایران و انقلاب را بردند و آقای کربوبی ناچار شد از ملک فهد طلب لطف کند" (خاطرات آیت الله منتظری ، ص 584).

احمد خمینی در رنج نامه به آیت الله منتظری این گونه پاسخ داد:

"آیا راهی برای کارهای انقلابی غیر از آنچه در مکه شد وجود دارد؟ البته این گونه کارها گاهی بدون گیر و اشکال انجام می گیرد و گاهی لو می رود. این به معنای موافقت من با این گونه کارها نیست ولی به طور کلی معمول این گونه کارها همین است".

در 31 ژوئیه 1987، حجاج ایرانی مطابق معمول تظاهراتی با شعارهای "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر اسرائیل" برپا کردند. نیروهای امنیتی عربستان به سوی تظاهر کنندگان آتش گشودند که به کشته شدن 402 تن (275 ایرانی، 85 عربستانی، 45 تن از حجاج دیگر کشورها) و زخمی شدن 649 تن منتهی شد. سپس عربستان سعودی با تعطیل کردن سفارتخانه اش، به روابط دیپلماتیک خود با ایران پایان داد.

### آغاز روابط مجدد پس از حمله عراق به کویت

اما طنز تاریخ این بود که با پایان جنگ تجاوز کارانه عراق، صدام حسین در 2 آگوست 1990 حمله به کویت را آغاز و آن کشور را به عراق ضمیمه کرد. کویت و عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی با اعزام هیأت های گوناگون خواستار کمک ایران برای رفع اشغال شدند. 23 آگوست وزیر امور خارجه کویت به تهران رفت و 28 اکتبر معاون وزارت خارجه عربستان سعودی به تهران آمد. 13 فوریه ولایتی و سعودالفیصل تلفنی مذاکره کرده و چند روز بعد در ژنو با یکدیگر دیدار می کنند. در 20 مارس 1991 ولایتی از هاشمی اجازه می گیرد تا آغاز روابط دوباره ایران و عربستان سعودی را اعلام کند.

در تابستان 1996 پایگاه نیروهای آمریکایی در الخبر عربستان سعودی منفجر شد. در این عملیات، 19 نظامی آمریکایی کشته و 400 تن زخمی گردیدند. مطابق گزارش آرشیو ملی امنیتی آمریکا، بعد از بمب

گذاری در الخبر، بیل کلینتون به نیروهای مسلح دستور داد که نقشه خود برای حمله و بمباران ایران را به روز کرده و آماده سازند، ولی هنوز قصد حمله نداشت. انتخاب محمد خاتمی باعث شد تا آن طرح را کنار گذاشته و به دنبال بهبود رابطه با ایران شود. عربستان آن انفجار را [کار ناراضیان داخلی می دانست](#) که احتمال هم داشت از ایران کمک گرفته باشند، اما بعدها [گفته شد](#) که به نظر می رسد کار القاعده بوده است. بیل کلینتون در خاطرات خود نوشته است که تا تابستان ۱۹۹۶ آمریکا هیچ نتیجه قطعی در مورد این که چه کسی بمب گذاری الخبر را انجام داده بود نداشت (ص 718).

### تقاضای عربستان از آمریکا برای حمله نظامی به ایران

روابط پر تنش و رقابت آمیز این دو کشور ادامه یافت. رژیم آل سعود جمهوری اسلامی را مهمترین خطر به شمار می آورد و خواهان بمباران ایران توسط آمریکا بود. براساس [اسناد ویکی لیکس](#)، پادشاه عربستان در آوریل 2008 از رایان کروکر - سفیر وقت آمریکا در عراق - و ژنرال پترائوس - فرمانده وقت نیروهای آمریکایی در عراق - می خواهد تا آمریکا ایران را مورد حمله نظامی قرار دهد. دو روز پس از این دیدار، عادل الجبیر، سفیر سعودی در واشینگتن به سفارت آمریکا در عربستان گفت: "او [پادشاه] به شما [آمریکایی ها] گفت که سر این مار را قطع کنید".

مطابق یادداشت وزارت امور خارجه آمریکا: "الجبیر توصیه های پیاپی پادشاه به ایالات متحده برای حمله به ایران و پایان بخشیدن به برنامه جنگ افزارهای اتمی اش را یادآور شد".

مطابق سند محرمانه دیگری متعلق به دسامبر 2005، پادشاه عربستان از جورج بوش به خاطر گوش نکردن توصیه اش برای حمله به ایران عصبانی است. پادشاه عربستان می گوید: "در حالی که در گذشته ایالات متحده، عربستان سعودی و صدام حسین بر لزوم کنترل ایران توافق کرده بودند، اکنون سیاست آمریکا، عراق را همچون هدیه ای در دیس طلا به ایران داده است".

بدین ترتیب، پادشاه عربستان در دسامبر 2005 اعتراف می کند که از زمان تجاوز عراق به ایران، با صدام حسین و آمریکا در جهت کنترل ایران وحدت نظر داشته است. کنترل معنایی جز حمله نظامی به ایران نداشت. عربستان که از حمله صدام حسین حمایت کامل به عمل آورد، بعدها به دلیل عدم موفقیت آن تجاوز، دائماً خواهان حمله نظامی آمریکا به ایران بود.

جرج بوش نیز در فصل سیزدهم خاطراتش نوشته است که اسرائیل و عربستان سعودی خواهان حمله نظامی به ایران بودند. می نویسد در ژانویه 2008 وقتی با پادشاه عربستان و دیگر مقامات آن کشور دیدار داشت، به آنها می گوید که من نیز به شدت از انتشار گزارش 17 نهاد اطلاعاتی آمریکا مبنی بر غیر نظامی بودن پروژه هسته ای ایران خشمگین هستم، اما: "چگونه می توانستم حمله نظامی برای نابودی تجهیزات هسته ای کشوری را توجیه کنم که جامعه اطلاعاتی وجود هرگونه برنامه فعال تولید سلاح های اتمی در آن را نفی کرده بود".

تصویب تحریم های اقتصادی فلج کننده علیه ایران یکی دیگر از خواست های عربستان سعودی بود که اسنادش را ویکی لیکس منتشر کرده است.

## تغییر سرشت بهار عرب

بهار عرب، به معنای فروپاشی نظام های سرکوبگر و جایگزین شدن نظام های دموکراتیک ملتزم به حقوق بشر، برخلاف میل عربستان بود. برای این که اگر شکاف اجتماعی اصلی منطقه، نزاع دیکتاتوری و دموکراسی باشد، این امر به سرعت گریبان رژیم آل سعود را هم خواهد گرفت. شاهزاده ترکی الفیصل گفت که بهار عرب "[باعث ویرانی و نابودی](#)" است و [شیخ صالح الفوزان](#)، یکی از مهمترین علمای عربستان، اعلام کرد که [بهار عرب شیطانی است](#). زمامداران عربستان [از بهار عرب به عنوان یک فتنه نام بردند](#). به همین دلیل عملیات وسیع مالی و تسلیحاتی را طراحی کرد تا سرشت و مسیر آن را کاملاً دگرگون سازد. برخی اقدامات به شرح زیر است:

الف- تبدیل نزاع دیکتاتوری و دموکراسی به جنگ شیعه و سنی اولین طرح عربستان سعودی بود. جبهه بندی جدید تحکیم و گسترش مذهبی گسترش یافت ([Co-opting the struggle for democracy](#)). جمهوری اسلامی به شدت مخالف چنین جنگی است، برای این که، اولاً: شیعیان در اقلیت چشمگیری نسبت به اهل تسنن قرار دارند. ثانیاً: آیت الله خامنه ای بهار عرب را "بیداری اسلامی" علیه اسرائیل و آمریکا به شمار می آورد. به تعبیر دقیق تر، آرزو دارد که بهار عرب چنین سرشت و سرنوشتی داشته باشد. ثالثاً: کشتن مسلمانان به دست یکدیگر، به سود دشمنان آنان است. این نکته را خامنه ای بارها اعلام کرده و علیه "اسلام گرایان تکفیری تروریست" سخن گفته است. رابعاً: جمهوری اسلامی حتی اگر بخواهد، دارای منابع مالی- مانند منابع مالی عظیم عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس- نیست تا درگیر چنین جنگی شود (به نوشته [فان یالیسی](#)، عربستان سعودی به منظور افزایش بازدارندگی در مقابل تهدیدات ایران، طی دوره 2012-2003، بودجه دفاعی خود را 111 درصد افزایش داده است. به گزارش [موسسه بین المللی تحقیقات راهبردی لندن](#)، هزینه های نظامی عربستان در سال 2013 به بیش از ۶/۵۹ میلیارد دلار رسیده است). خامساً: فقیهان شیعیان دوازده امامی- که در ایران حاکم هستند- همیشه شیعیان غیر دوازده امامی (از جمله اسماعیلیه و علوی ها) را رد کرده اند. از نظر آنان شیعه حقیقی، شیعه 12 امامی است و علوی ها- از جمله حاکمان سوریه- از نظر اعتقادی منحرف بوده و نمی توانند متحد دینی به شمار آیند. اما در رویارویی با اسرائیل می توان با آنان و اهل تسنن متحد شد.

ب- رژیم سکولار اسد، رژیمی جنایتکار بود که مانند دیگر همسایگان خود، اعتراضات سیاسی را به شدت سرکوب کرد. روسیه، چین و ایران متحد این رژیم بودند، اما آمریکا، اکثر دولت های اروپایی، اکثر دولت های عربی- خصوصاً [عربستان سعودی](#)- به دنبال سرنگون کردن این رژیم رفتند. جنگ نیابتی سوریه شکل گرفت و آن کشور و مردمش در این راه نابود شدند. سوریه به مرکز ترویست های جهان تبدیل شد و [اسلام گرایان سلفی مورد حمایت عربستان](#)- که دشمن دموکراسی و حقوق بشرند- به شدت قدرتمند شدند. سعود الفیصل- وزیر خارجه عربستان- مسلح کردن تروریست های سلفی در سوریه را [یک "وظیفه" اعلام کرد](#) ([Syria: The War on Development and Democracy](#)). عربستان همچنان خواهان سرنگونی بشار اسد، به قدرت رسیدن گروه های مورد حمایت خود و مخالف مشارکت ایران در کنفرانس ژنو است. جمهوری اسلامی نیز اگرچه دلبستگی خاصی به شخص بشار اسد ندارد، اما رفتن اسد را به معنای فروپاشی کل رژیم و تسلط گروه هایی شبیه القاعده به شمار می آورد.

پ- بحرین: حرکت اعتراضی اکثریت مردم بحرین علیه رژیم دیکتاتوری، با اعزام ارتش عربستان سعودی در 14 مارس 2011 سرکوب شد. [عربستان بیش از دیگران](#) در شکست بهار عرب در بحرین نقش داشت.

ت- مصر: عربستان سعودی با در اختیار نهادن میلیاردها دلار از کودتای ارتش مصر [حمایت به عمل آورد](#) تا کار از دست اخوانی ها که از طریق انتخابات به قدرت رسیده بودند خارج شود. البته اخوان المسلمین با جمهوری اسلامی هم خوب نبود و به سود ایران است که همه حکومت های منطقه سکولار باشند، برای این که رژیم های مدعی اسلام یکدیگر را تحمل نمی کنند.

ث- لبنان، عراق و یمن: قدرت گرفتن شیعیان در عراق نیز به شدت عربستان را تحریک کرد. عربستان عراق و لبنان و یمن را هم به صحنه نبرد با ایران تبدیل کرده است. در عراق در سال 2013 فقط [8868 تن](#) توسط گروه هایی چون القاعده و دیگر گروه های سلفی کشته شده اند. [در ماه ژانویه 2014 نیز، 1013 تن کشته شده اند](#). دولت عراق بارها انگشت اتهام را [به سوی عربستان سعودی نشانه رفته است](#). یمن که [حدود 45 درصد جمعیت آن شیعه اند](#)، میدان دیگر جنگ عربستان علیه قدرت منطقه ای ایران بود. تا آنجا که برخی از [سیطره کامل عربستان بر یمن](#) سخن گفته اند.

## بسترسازی در ایران

گزارش هایی نیز در مورد دخالت عربستان سعودی با هزینه بسیار در بعضی استان های مرزی ایران ( کردستان، بلوچستان، و...) و حمایت از گروه های نو ظهور سلفی وجود دارد. گروه تروریستی [جندالله](#) یکی از گروه های سلفی مورد حمایت عربستان سعودی است که زبان و ادبیات گروه های تروریست سلفی در سوریه را به کار می گیرد.

## توافق هسته ای

روابط عربستان سعودی با آمریکا بر سر سوریه و ایران دچار تنش شده است. عربستان خواهان حمله نظامی آمریکا به سوریه بود و معتقد است که اوپاما به تکلیف خود عمل نکرده است. رژیم عربستان که از آمریکا می خواست تا با حمله نظامی سر مار ایران را قطع کند، پس از توافق هسته ای دچار سرخوردگی بیشتر شد.

آن پترسون- معاون وزیر امور خارجه آمریکا- نیز ضمن اذعان به وقوع جنگ نیابتی شدید و ترسناک در منطقه، [گفته است](#) که ایران و عربستان سعودی هرگز یکدیگر را دوست نداشته اند و هرگز در این سطح از دشمنی با یکدیگر نبوده اند. او می افزاید که همه روزه در حال توجیه سیاست های خود برای عربستان و رفع نگرانی های آنان هستند. [وال استریت جورنال](#) هم خبر داده که اوپاما در ماه مارس به ریاض می رود تا سیاست های خود در رابطه با ایران و سوریه را به سعودی ها توضیح دهد. به نوشته [واشنگتن پست](#)، پادشاه عربستان و اردن در ملاقات با اوپاما: "خواستار پایان برنامه هسته ای ایران، از طریق مذاکره هستند و در غیراین صورت خواستار اقدام اقتصادی و سپس اقدام نظامی آمریکا هستند". عربستان این بار از اوپاما انتظار دارد که سر مار ایران را از طریق حمله نظامی قطع کند.

## راهکارها

ایران در برابر عربستانی که این چنین با او دشمنی می ورزد چه باید یا می تواند بکند؟

اول- بهبود روابط با دولت های غربی به رهبری دولت آمریکا. برقراری روابط دوستانه با آمریکا به سود منافع ملی دو کشور است. مبارزه با گروه های تروریست اسلام گرا در کل منطقه و حل مسأله سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و... می تواند این دو کشور را در یک جبهه قرار دهد.

دوم- تنش زدایی با کشورهای منطقه. ایران باید بکوشد تا روابط خود را با کشورهای منطقه بهبود بخشد. این مسأله به معنای به رسمیت شناختن منافع مشروع کشورهای منطقه در برخورداری از امنیت و استقلال سیاسی و حق حاکمیت است. ارائه طرح های عملی برای عاری سازی کل منطقه از سلاح های کشتار جمعی و تضمین امنیت جمعی همه کشورها و توافق در مورد عدم توسل به زور در حل اختلافات سیاسی می تواند به این هدف مدد رساند. ترکی الفیصل [رئوس توافقی در مورد امنیت منطقه ای را از منظر مطلوب عربستان](#) در سخنرانی های متعدد اخیر خود ارائه کرده است. ایران نیز باید رئیس طرحی جامع برای امنیت منطقه ای را از منظر خود مطرح کند و باب مذاکره با عربستان و سایر کشورهای خلیج فارس را بگشاید.

سوم- شکاف اجتماعی اصلی منطقه، شکاف دیکتاتوری و دموکراسی است. همه رژیم های منطقه به شدت گرفتار فساد، استبداد و سرکوب خشن هستند. بدون دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی کشورهای منطقه، مسائل حل نخواهد شد. رژیم استبدادی جمهوری اسلامی اگر بخواهد از وضعیت بحرانی فعلی نجات یابد، چاره ای جز تن دادن به حاکمیت رای مردم و بهبود وضعیت حقوق بشر در پیش ندارد. فرآیندی که حاکمان فعلی ایران هم به اندازه ای که افشاری را در جامعه نمایندگی می کنند در آن باید نقش داشته باشند. یا همه نیروهای سیاسی ایران، از جمله حاکمان کنونی، کثرت هویت های سیاسی و عقیدتی و برابری حقوقی همه شهروندان را خواهند پذیرفت و به لوازم و تبعات آن تن خواهند داد یا مطالبات سرکوب شده، کینه های ناشی از بی عدالتی و خشم همچنان انباشت خواهد شد و زمانی به انفجار ویرانگر خواهد رسید.

دولت های غربی به رهبری دولت آمریکا اگر خواهان صلح و ثبات و نابودی تروریسم در منطقه اند، باید سیاست های مبتنی بر معیارهای دوگانه را به کلی کنار بگذارند. اعتراض به نقض سیستماتیک حقوق بشر و سرکوبگری رژیم های استبدادی باید در همه به یکسان مورد تأکید قرار گیرد، نه آن که میان متحدان و غیر متحدان تفاوت بنهد. باید از فرایند گذار به نظام های دموکراتیک ملتزم به آزادی و حقوق بشر حمایت به عمل آورد، اما تجربه افغانستان، عراق، لیبی ([عملاً دویاره شده](#)) و سوریه این درس بزرگ را به همگان آموخت که نمی توان از طریق دخالت نظامی خارجی کشورها را دارای نظام دموکراتیک کرد. دخالت نظامی کشورها را نابود کرد و تروریسم را بسط داد.

رابرت گیتس- رئیس اسبق سازمان CIA و وزیر دفاع دولت های جرج بوش و اوباما- در مصاحبه با بی بی سی [گفته است](#): کشورهای چوچون عراق، لیبی و سوریه بدون حکومت های استبدادی و سرکوبگر نمی توانند به بقای خود ادامه دهند. تجزیه احتمالی این کشورها، یکی از پیامدهای مدل تغییر رژیم از طریق

دخالت نظامی خارجی است که این متخصص برجسته تشخیص داده است. گریه آور نیست که بعد از دوازده سال از گذشت لشکرکشی به عراق و افغانستان برای "دموکراتیزه کردن خاورمیانه" و تحمیل سیاه روزی به مردم آن، دولتمردی در این سطح این گونه به کارآیی استبداد اشاره می کند؟

**منبع: گویانیوز، 8 اسفند 1392**